

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	سخن نخست.....
۲.....	تهاجم دیپلماتیک او باما و واقعیت ژئوپلیتیک.....
۴.....	ایران: تعامل با احمدی‌نژاد.....
۶.....	رویکرد ایران به او باما.....
۸.....	احتیاط و آشفتگی سیاست آمریکا در قبال ایران.....
۱۰.....	چالش سیاست خارجی او باما.....
۱۲.....	نقشه‌دنیس راس برای ایران.....
۱۸.....	برنامه آمریکا برای ایران.....
۲۳.....	امپریالیسم نوین ایران.....
۲۶.....	ایران بسیار مستقل و نافرمان است.....
۳۱.....	ایران در آستانه ساخت بمب.....
۳۳.....	ایران محور شرارت هسته‌ای.....
۳۵.....	تمرکز بر بازسازی دولتی قدرتمند در عراق.....
۳۷.....	جنگ نیابتی ایران در عراق.....
۳۹.....	اشتباهات بیشتر او باما در قبال ایران و عراق.....
۴۱.....	عصر تعامل با حزب‌الله و ایران.....
۴۳.....	انقلاب ایران پس از سی سال.....

ماهنامه کاوش (۲۶)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۶۳۷

اردیبهشت ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی



یکی از مهم‌ترین مسائل مؤثر در حوزه سیاست‌گذاری خارجی، درک شرایط بین‌الملل و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این درک از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاووش با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیل غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. بر این اساس در شماره ۲۶ ماهنامه کاووش که در اختیار شماست به مقالاتی در مورد سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه و به‌ویژه ایران و برنامه هسته‌ای آن و سایر موضوعات مرتبط با روابط خارجی ایران پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید و قبول آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاووش همچنین جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادات سازنده اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.



عنوان: تهاجم دیپلماتیک اوباما و واقعیت ژئوپلیتیک^۱

نویسنده: روا بالا

منبع: Stratfor^۲

مذاکره با ایران مهم‌ترین شعار تبلیغاتی اوباما در حوزه سیاست خارجی محسوب می‌شود و علت این امر نقش منطقه‌ای ایران در مسائلی است که آمریکا با آن درگیر است. ایده مذاکره ایران و آمریکا مسئله جدیدی نیست زیرا که ایران و آمریکا قبل از جنگ افغانستان در ۲۰۰۱ و نیز جنگ عراق ۲۰۰۳ مذاکرات گسترده‌ای با هم انجام دادند. در هر دو مورد منافع دوجانبه مشترک، طرفین را به میز مذاکره کشانید. در آن زمان، ایران (که رقبای سنی مذهب در شرق و غرب خود دارد) به دنبال استفاده از شرایط جدید منطقه‌ای ناشی از سقوط طالبان و صدام در جهت گسترش سلطه خود در منطقه بود. آمریکا نیز به دنبال تغییر موازنه قوا بوده و جهت گسترش برتری خود به همکاری ایران جهت تثبیت جایگاه خود در عراق و افغانستان نیاز داشت. در این شرایط اگرچه ایران و آمریکا در این راستا در پیگیری منافع خود سخت‌گیر بودند ولی توانستند هر یک منافع خود را تحصیل کنند. ایران می‌دانست که علی‌رغم سرنگونی صدام، آمریکا روابط استراتژیک خود با سنی‌ها را حفظ خواهد کرد و اجازه نمی‌دهد سلطه ایران بر آنها شکل بگیرد. از سوی دیگر آمریکا نیز دریافته بود که بدون کمک ایران نمی‌تواند نفوذ چندانی در میان اکثریت شیعیان عراق داشته باشد.

1. Reva Bhalla, "Obama's Diplomatic offensive and the Reality of Geopolitics Stratfor", March 2009.

۲. از پایگاه‌های معتبر تحلیلی در پیرامون مسائل استراتژیک است.



بنابراین همپوشانی منافع ایران و آمریکا سبب شد که آنان علی‌رغم تضادهای بسیار بتوانند با هم مذاکره کنند. در عراق ایران به دنبال تقویت نفوذ شیعیان و مهار سنی‌ها بود تا بتواند مرزهای غربی خود را محافظت کند. از سوی دیگر ایران، خواستار پذیرش حوزه نفوذ این کشور توسط آمریکا و تداوم برنامه هسته‌ای خود بود. در این میان، آمریکا به دنبال حفظ روابط استراتژیک خود با سنی‌ها و نیز توقف برنامه هسته‌ای ایران بود. لذا علی‌رغم همپوشانی نسبی منافع دو کشور هر چند که پیشرفت‌هایی در روابط طرفین ایجاد شد اما مذاکرات آنان به دلیل غیرانعطاف‌پذیری‌شان متوقف شده و به تیرگی گذاشت.

در شرایط کنونی نیز اگرچه در مورد افغانستان، دولت اوپاما به دنبال مذاکره و همکاری با ایران بوده و این امر را فراتر از همکاری اطلاعاتی و لجستیکی دو کشور، دنبال می‌کند. اما ایران قصد همکاری کامل و مطلق با آمریکا در موضوع مهمی مانند افغانستان را تا زمانی که مسائل امنیتی کلان این کشور حل نشوند، ندارد؛ در این زمینه مثلاً مذاکره آمریکا با طالبان یکی از نقاط افتراق دو کشور است. زیرا که ایران نمی‌خواهد طالبان به عنوان رقیب ایدئولوژیک ایران در ساختار افغانستان نقش داشته باشد و آمریکا تنها به دنبال ایجاد ثبات و امنیت در این کشور است.



عنوان: ایران؛ تعامل با احمدی‌نژاد^۱

نویسنده: فردریک تلیر

منبع: International Crisis Group^۲

اگرچه باراک اوپاما در سیاست خارجی خود قول مذاکره و ارتباط با ایران را مطرح ساخته است اما بسیاری از صاحب‌نظران به وی توصیه کرده‌اند که این اقدام را تا روشن شدن نتیجه انتخابات ایران به تعویق بیندازد. علت این امر آن است که احمدی‌نژاد می‌تواند از مسئله مذاکره با آمریکا، به عنوان برگ برنده در انتخابات استفاده کرده و مجدداً به پیروزی برسد، لذا این اقدام آمریکا در قبال ایران در شرایط کنونی سیاست نادرستی است. از سوی دیگر احمدی‌نژاد با ارسال نامه تبریک به انتخاب اوپاما، خود را در موقعیت برنده - برنده در ارتباط با آمریکا قرار داده است و اگر اوپاما به این نامه رسمی پاسخ مناسب ندهد این اقدام زمینه رویکرد ضدیت با آمریکا در سیاست‌های احمدی‌نژاد را تقویت کرده و آمریکا به عنوان مسئول ناکامی‌های اقتصادی ایران معرفی می‌شود، لذا عدم پاسخ به این نامه می‌تواند سبب انتخاب مجدد احمدی‌نژاد شود. در این شرایط، اوپاما قصد دارد مجموعه‌ای گسترده از ارتباطات با ایران را در زمینه‌های مشترک در عراق، افغانستان، لبنان و سایر مسائل منطقه‌ای به وجود آورد. در این خصوص آمریکا برای انتقال پیام‌ها می‌تواند به عنوان یک گزینه مستقیماً این مسائل را با رهبری ایران مطرح سازد و احمدی‌نژاد را نادیده بگیرد. اما به نظر نمی‌رسد مواضع رهبر ایران با احمدی‌نژاد در مورد رابطه با

1. Fredric Tellier, "Iran: Dealing with Ahmadinejad", International Crisis Group, March 2009.

۲. مؤسسه تحقیقاتی بحران بین‌الملل طیف گسترده‌ای از مسائل بین‌المللی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.



آمریکا در تضاد باشد. گزینه دیگر برای آمریکا آن است که تلاش کند روابط خود را با هرکس بجز احمدی‌نژاد برقرار کند. این گزینه نیز استراتژی مناسبی به نظر نمی‌رسد. چراکه اتکا به عدم انتخاب مجدد احمدی‌نژاد خطر بزرگی محسوب می‌شود و همواره احتمال انتخاب مجدد رئیس‌جمهور فعلی در انتخابات جدید بیشتر است. از سوی دیگر این سیاست می‌تواند سبب تقویت مخالفان رابطه با آمریکا در ایران شود و آمریکا را وارد نزاع جناح‌های ایران کند. به‌علاوه نتیجه انتخابات، رابطه یا عدم رابطه ایران و آمریکا را مشخص نمی‌کند بلکه رهبری ایران تصمیم‌گیرنده نهایی در این رابطه است. از سوی دیگر شکست احمدی‌نژاد در انتخابات به‌معنای ایجاد فرصتی جهت برقراری رابطه نیست، چراکه کاندیداهای دیگر نیز موافق آمریکا نیستند. از این رو آمریکا به دلایل زیر باید سریع‌تر عمل کند:

۱. تأخیر به سود احمدی‌نژاد خواهد بود، زیرا تعویق مذاکرات تا روشن شدن نتیجه انتخابات، موضع احمدی‌نژاد را تقویت خواهد کرد.
۲. از آنجا که احمدی‌نژاد مشی تندروانه دارد تداوم مذاکره با سایر میانه‌روهای پس از وی احتمالاً آسان‌تر است.
۳. شروع مذاکرات با احمدی‌نژاد به‌منزله آن است که وی نمی‌تواند در روند مذاکرات اخلاص کند چرا که تصمیم‌گیرنده نهایی رهبری نظام است.
۴. نباید مذاکره را محدود به ویژگی‌های شخصی افراد کرد، بلکه مذاکره باید معطوف به استراتژی کلان طرفین و منافع مشترک باشد.



عنوان: رویکرد ایران به اوباما^۱

نویسنده: جرج فریدمن

منبع: Starfor

پیام فوری اوباما به مردم ایران از جانب مقامات این کشور به‌سردی مورد استقبال قرار گرفت، آنها این اقدام را تغییر در سیاست‌های آمریکا تلقی نکردند. این پیام حاوی این مسئله بود که آمریکا حداقل تلاش می‌کند روابط خود با ایران را تغییر دهد. اوباما به دنبال تغییر ذهنیت دشمنان آمریکا بوده و قصد دارد رویکرد منفی بوش به رقبای آمریکا را تغییر دهد. پاسخ ایران نیز قابل درک است، چراکه آمریکا همواره تلاش کرده است ایران را محدود کند. از دیدگاه ایران، آمریکا دو خواسته مشخص از این کشور دارد: اول توقف برنامه هسته‌ای، دوم عدم حمایت ایران از آنچه آمریکا آن را تروریسم می‌خواند. در مقابل این خواسته‌ها، تعلیق تحریم‌ها بسیار اندک است چراکه تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به‌خوبی عمل نکرده و نمی‌کند. تحریم‌ها زمانی می‌تواند مؤثر باشد که تمام قدرت‌های بین‌المللی به آن پایبند باشند. چین و روسیه هیچ‌گاه به‌طور کامل با روند تحریم ایران همراهی نکرده‌اند، لذا ایران حذف تحریم‌ها را امتیاز بزرگی در قبال خواسته‌های آمریکا نمی‌داند. ایران نمی‌تواند تمایز آشکاری میان رویکرد بوش و اوباما در قبال ایران تشخیص دهد و لذا تمایل صرف آمریکا جهت مذاکره را کافی نمی‌داند. لذا به دنبال مشخص شدن دقیق خواسته‌ها و امتیازات احتمالی کسب شده است.

آمریکا به دنبال آن است که دولتی در ایران روی کار بیاید که به دلیل مشکلات

1. George Friedman, "Iran's View of Obama", Stratfor, March 2009.



اقتصادی این کشور، برخی منافع استراتژیک را فدای حل مسائل اقتصادی کند؛ ولی چنین مسئله‌ای محتمل به نظر نمی‌رسد. با وجود این، با توجه به اینکه ایران برای چانه‌زدن آماده است، مسلماً کمک اقتصادی برای ایران کافی نخواهد بود.

از سوی دیگر آمریکا نمی‌تواند به ایران در جهت تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای امتیاز بدهد. مشکل ایران و آمریکا مسئله شخصی بوش، کلینتون یا ریگان نیست، بلکه مشکل واقعیت‌های مربوط به دو کشور است. تنها در صورتی که قدرت سومی، ایران و آمریکا را به اندازه کافی تهدید کند می‌توان به حل مسئله دو کشور امیدوار بود که در حال حاضر روسیه رابطه نزدیکی با ایران دارد.



عنوان: احتیاط و آشفتگی سیاست آمریکا در قبال ایران^۱

نویسنده: مایکل گرسن

منبع: Council on Foreign Relations^۲

این گزارش به بررسی رویکرد ایالات متحده در قبال ایران پرداخته و سیاست خارجی این کشور را در پرتو دو نگرش متفاوت اوباما و کلینتون مورد ارزیابی قرار داده است. نویسنده در ابتدای گزارش با اشاره به مناظرات کلینتون و اوباما در مورد نوع تعامل با ایران و تأکید اوباما بر مذاکره و اصرار کلینتون بر ضرورت تغییر رویه این کشور قبل از مذاکره، معتقد است که ظاهراً رویکرد کلینتون به رویکرد مسلط سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران تبدیل شده است. زیرا که اولاً ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفته و دولت اوباما تمایل چندانی به ایجاد تغییرات اساسی تا زمان تعیین نتایج این انتخابات ندارد. از سوی دیگر ایران در شرایط فعلی در وضعیت تعامل و همکاری با آمریکا قرار نگرفته و علی‌رغم تأکید اوباما بر تعامل با این کشور، خواستار تجدید نظر اساسی در روابط آمریکا با ایران و عذرخواهی از سیاست‌های گذشته آن شده است. در این زمینه حتی ایران سیاست‌های اوباما را نوعی پیروی از سیاست‌های بوش در قبال ایران، اسرائیل و خاورمیانه دانسته است. علاوه‌براین، در این شرایط ایران همچنان به همکاری با گروه‌های شبه‌نظامی عراقی ادامه می‌دهد و این مسئله عملاً روند مذاکره احتمالی را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر نگرانی

1. Michael Gerson, "Brake Lights on Iran from Obama, a Mix of Caution and Confusion." Council on Foreign Relations, March 18, 2009.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا مهم‌ترین رکن مؤثر در سیاست‌گذاری آمریکاست.



کشورهای همسایه ایران نسبت به انگیزه‌ها و اهداف ایران در منطقه و همچنین احتمال مذاکرات پنهان و معامله مخفی ایران و آمریکا در روند تنش‌زدایی دو کشور (که عملاً در سفر منطقه‌ای کلینتون و میچل بارها از سوی رهبران عرب منطقه مورد تأکید قرار گرفته) هم سبب تشدید سیاست‌های محافظه‌کارانه و احتیاط‌آمیز آمریکا در قبال ایران می‌شود. با توجه به این وضعیت، به نظر می‌رسد که سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، ترکیبی از احتیاط و آشفتگی باشد به گونه‌ای که مثلاً از یکسو ایران را در آستانه ساخت بمب هسته‌ای دانسته و از سوی دیگر حمله به ایران را نفی می‌کند. در هر حال مسلماً این سیاست‌های آمریکا، زمینه ترغیب ایران به مذاکره یا ترساندن آن نسبت به سیاست‌های کنونی را به وجود نخواهد آورد.



عنوان: چالش سیاست خارجی اوباما^۱

نویسنده: هنری کسینجر

منبع: Washington Post^۲

دستور کار دیپلماتیک گسترده‌ای که دولت اوباما تصویب کرده است توانایی وی را برای هماهنگ کردن اولویت‌های ملی نظیر روابط با ایران و کره شمالی و نیز مسائل جهانی و چندجانبه را به بوته آزمایش گذارده است. اوباما در شرایط بسیار سخت بین‌المللی نظیر بحران اقتصادی به قدرت رسیده که این مسئله امکان رسیدن به راه حل برای مسائل بین‌المللی را با دشواری مواجه ساخته است. از سوی دیگر اوباما با شرایط دشوار استراتژیک در نقاط مختلف جهان روبه‌رو است. مثلاً مسائل مربوط به خلع سلاح با روسیه به شدت تحت تأثیر نقش روسیه و روابط آن با ایران است. روابط با چین نیز تأثیر بسزایی بر پرونده کره شمالی دارد. در این شرایط، اوباما مذاکرات و تلاش‌های خود را درخصوص طیف گسترده‌ای از موضوعات آغاز کرده است که هر یک دارای اجزای سیاسی و استراتژیک و ابعاد گسترده‌ای است. نویسنده معتقد است وظیفه دولت اوباما حفظ روند مذاکرات توسط افراد پرانرژی و خبره است. در این میان، ایران کشوری بسیار پیچیده و دارای تأثیر مستقیم بر منطقه خاورمیانه است و لذا نتیجه روند مذاکرات دیپلماتیک با ایران که اخیراً آغاز شده است نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا که نتیجه این روند به توازن ژئواستراتژیک منطقه ارتباط دارد. لذا برای رسیدن به این هدف، انجام گفت‌وگوهای آمریکا و ایران

1. Henry Kissinger, "Obama's Foreign Policy Challenge", Washington Post, March 2009.

۲. از روزنامه‌های پرتیراژ آمریکایی است.



اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر هرگونه مذاکره با ایران به‌شدت تحت تأثیر این مسئله قرار دارد که آیا پیشرفت در جهت ثبات عراق ادامه دارد یا خیر و اینکه خلأ ناشی از خروج آمریکا از عراق باعث ماجراجویی ایران می‌شود یا خیر؟ به‌طور کلی بهترین رویکرد مذاکراتی آن است که فهرستی کامل و صادقانه از اهداف نهایی را در برابر طرف مقابل قرار دهیم. اما این خطر همواره وجود دارد که ممکن است نسبت به اهداف نهایی سوءتفاهم به‌وجود آید، در حالی‌که دولت آمریکا درصدد متقاعد کردن ایران به ورود به گفت‌وگو است باید به شکل فعالی در صدد حل مشاجراتی بود که میان متحدان آمریکا در این زمینه به‌وجود می‌آید بر این اساس تنها راه حل موجود، انجام مذاکره چندجانبه است. اگر چنین توافقی وجود نداشته باشد، مذاکرات طولانی به بن‌بست می‌رسد و تنها برنامه هسته‌ای ایران به مشروعیت دست پیدا می‌کند.



عنوان: نقشه دنیس راس برای ایران^۱

نویسنده: رابرت دریفوس

منبع: The Nation^۲

در فوریه گذشته روزی که دنیس راس، شخصیت طرفدار اسرائیل و وابسته به جناح بازها، به سمت مشاور ویژه باراک اوباما در امور «خلیج (فارس) و آسیای جنوب غربی»، یعنی ایران ارتقا یافت، منتقدین او بر این امید بودند که نفوذ او در این زمینه جزئی باشد.

با این همه ناظرین مسائل خاورمیانه و دیپلمات‌هایی که امیدوار به تضعیف دنیس راس و کنار رفتن او هستند، سخت در اشتباه می‌باشند. او در حال حاضر در حال بنا نهادن امپراتوری خود در وزارت خارجه است و در همان حالی‌که افراد مورد نظر خود را استخدام می‌کند با استعداد خود در بازی‌های سیاسی، به دست و پنجه نرم کردن‌های سیاسی و ایجاد پل‌ها و روابط با یک سلسله از مقامات آمریکایی مشغول است. به گفته یکی از افراد مطلع، پرونده سیاسی ایران کاملاً در دست او است. یکی از متخصصین کلیدی در امور ایران می‌گوید، «چیزهایی که تاکنون دیده‌ایم حکایت از این دارد که دنیس راس همه چیز را کاملاً در اختیار گرفته است. او امروز دارد طوری رفتار می‌کند که گویی هیچکس دیگر کاره‌ای نیست. هرجای وزارت خارجه می‌روی می‌گویند، برو سراغ دنیس، او مسئول این کار است».

این نیز از عجایب روزگار است که اوبامایی که در طول مبارزات انتخاباتی،

1. Robert Dreyfuss, "Dennis Ross's Iran Plan", The Nation, April 8, 2009.

۲. از نشریات معتبر در حوزه سیاست داخلی و خارجی آمریکاست.



گفت‌وگو با ایران را یکی از موارد عمده سیاست آینده خود خوانده بود، پرونده ایران را به چنین شخصی محول کرده است. دنیس راس همانند همفکران نئومحافظه‌کار خود، کاملاً نسبت به فایده‌مندی مذاکرات سیاسی با ایران بی‌اعتماد است. دنیس راس به‌عنوان یکی از مهره‌های ماشین لابی اسرائیل در واشنگتن شناخته می‌شود و همان‌طور که بعداً نیز ثابت شد بعید می‌نمود که تهران از انتصاب او استقبال کند. یکی از مقامات سابق کاخ سفید می‌گوید که دنیس راس به همکاران خود گفته است که به اعتقاد او ایالات متحده، در پاسخ به برنامه اتمی ایران، در نهایت چاره‌ای جز حمله نظامی نخواهد داشت.

هرچند دنیس راس یک نئوکان (محافظه‌کاران جدید) تمام عیار محسوب نمی‌شود اما در بیشتر دوران فعالیت سیاسی خود با آنها در ارتباط بوده است. او در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در وزارت خارجه و وزارت دفاع، شانه به شانه پل ولفوویتز و با آندرو مارشال یکی از نظریه‌پردازان معروف نئوکان و رئیس «اداره ارزیابی‌های دقیق»^۱ در پنتاگون کار کرده است. او در سال ۱۹۸۵ در برپایی «انستیتوی سیاست‌های خاورمیانه در واشنگتن»^۲ که یکی از برجسته‌ترین سازمان‌های اندیشه وابسته به لابی اسرائیل محسوب می‌شود نقش فعال داشت.

راس از سال‌های اواخر دهه ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۰ راهنمای بوش پدر و کلinton در مورد مسئله اعراب و اسرائیل بود و برای خود به‌عنوان یک دیپلمات ماهر اما طرفدار اسرائیل شهرتی بهم‌زده بود. او در مذاکرات فلسطین و اسرائیل در جولای سال ۲۰۰۰ در کمپ دیوید نمایندگی آمریکا را به‌عهده داشت، اما میان او و یاسر

1. Pentagon's Office of Net Assessments
2. Washington Institute for Near East Policy (WINEP)



عرفات بی‌اعتمادی متقابل حاکم بود. در طول همان مذاکرات یکبار دنیس راس به‌صورت کودکانه‌ای عصبانی شد و دفترچه یادداشت خود را به میان ظرف‌های میوه و شربتی که روی میز چیده شده بود پرتاب کرد. بی‌دلیل نبود که زمانی که عرفات پیشنهادهای حقیرانه اسرائیلی‌ها را رد کرد، دنیس راس گناه شکست مذاکرات را تماماً به گردن او انداخت. شکست همین مذاکرات به آغاز انتفاضه دوم و به قدرت رسیدن آریل شارون انجامید. دانیل کورتزر^۱ یهودی متعصبی است که در گذشته سمت سفیر آمریکا در اسرائیل و مصر را به‌عهده داشته و در سال گذشته در سمت مشاور ارشد اوباما در امور خاورمیانه خدمت می‌کرد. این شخص در کتاب خود چنین نوشته است: «احساس ما همیشه این بود که دنیس از نقطه‌ای که مورد نظر اسرائیل باشد حرکت خود را آغاز می‌کند. او همیشه گوش می‌کرد ببیند اسرائیل چه می‌خواهد بعد سعی می‌کرد عرب‌ها را نسبت به آن متقاعد سازد».

دنیس راس از سال ۲۰۰۱ تا فوریه گذشته که از سوی اوباما به سمت فعلی خود رسید، در «انستیتوی سیاست‌های خاورمیانه در واشنگتن» کار می‌کرد و مدیریت تهیه یکسری گزارش‌ها را به‌عهده داشت که هدف آن به صدا در آوردن آژیرهای خطر در مورد تحقیقات اتمی ایران، و تبلیغ نزدیکی بیشتر آمریکا و اسرائیل در مقابله با آن کشور بود. در تابستان گذشته، او در همان حالی که مشاورت اوباما را به‌عهده داشت یک گروه ویژه را رهبری می‌کرد که هدف آن تألیف سندی به‌نام «راه‌های استحکام بخشیدن به یک شراکت: چگونه می‌توان در مقابل مشکل اتمی ایران همکاری میان آمریکا و اسرائیل را تعمیق بخشید؟» بود. جوهره این گزارش برانگیختن

1. Daniel Kurtzer



نگرانی‌ها در مورد برنامه اتمی ایران بود و توصیه می‌کرد که رئیس‌جمهور آینده آمریکا به ایجاد یک مکانیسم رسمی دست بزند که هدف آن هماهنگ‌سازی سیاست‌های آمریکا و اسرائیل و از جمله «عملیات پیشگیرانه نظامی» علیه ایران باشد. او و هولبروک هر دو دست به تأسیس بنیادی به نام «اتحاد علیه ایران اتمی»^۱ زدند که هدف آن گسترش نگرانی‌ها و هشدار علیه ایران در میان مردم آمریکا و رسانه‌ها بود. از اعضای هیئت مدیره این سازمان یکی جیمز وولسی^۲ رئیس سابق سازمان سیا و دیگری فوآد عجمی یکی از معروف‌ترین متخصصین امور خاورمیانه وابسته به جنبش نئوکان بود.

دنيس راس در سپتامبر گذشته به عنوان یکی از اعضای فعال یک سازمان ویژه زیر نظارت «مرکز سیاست‌گذاری دو حزبی»^۳ عمل می‌کرد. ریاست این سازمان به عهده مایکل ماکووسکی،^۴ برادر داوید ماکووسکی است که در «انستیتوی سیاست‌های خاورمیانه در واشنگتن» کار می‌کند و عده‌ای از جمهوریخواهان تندرو که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ در وزارت دفاع آمریکا کار می‌کردند توسط آنها سازمان داده شدند. گزارش این گروه با عنوان «برخورد با مشکل: سیاست آمریکا در قبال پیشرفت اتمی ایران» توسط مایکل روبین یکی از تندروترین نئوکان‌های «انستیتوی اینترپرایز آمریکا»^۵ نوشته شده و متن آن بیشتر به یک اعلام جنگ آشکار شباهت داشت.

هسته اصلی این گزارش، پیش‌بینی شکست مذاکرات سیاسی با ایران بود و به

-
1. United Against Nuclear Iran
 2. James Woolsey
 3. Bipartisan Policy Center
 4. Michael Makovsky
 5. American Enterprise Institute



همین دلیل دنيس راس و همکاران او توصیه می‌کردند که «آمریکا پیشاپیش به آرایش ابزار نظامی خود دست بزند» (یعنی آماده‌سازی رزمی) و هم‌زمان در خلیج فارس به «قدرت نمایی پردازد». این عملیات باید بلافاصله با محاصره دریایی ایران و جلوگیری از ورود بنزین به آن کشور و صدور نفت از آن همراه شود به‌طوری که اقتصاد کشور فلج شود. این گزارش آشکارا به توصیه «عملیات ضربت» در پایان مانورهای آمریکا می‌پردازد.

گزارش گروه دنيس راس - مایکل روبین در واقع خواهان یک عملیات ضربتی یا تهاجم آمریکا به ایران در یک مقیاس وسیع است. در آنجا توصیه شده بود که مراکز تحقیقات اتمی ایران، دفاع ضد هوایی، مراکز سپاه پاسداران، انبارهای اسلحه، فرودگاه‌ها و پادگان‌های نیروی دریایی هدف قرار گیرند. این گزارش در پایان نتیجه‌گیری می‌کرد که نیروهای آمریکایی در نهایت باید نیروهای پیاده نظام، ایستگاه‌های تولید نیرو، پل‌ها و «کارخانه‌های تولید فولاد و اتومبیل و اتوبوس و غیره» را نیز بکوبند.

دنيس راس نیز همانند سایر همفکران نئوکان خود با مذاکره میان ایران و آمریکا مخالفت نشان نمی‌دهد. آنها از آنجایی که صورت گرفتن چنین مذاکراتی را گریزناپذیر یافته‌اند، در عوض اصرار می‌ورزند که بر آن محدودیت زمانی اعمال شده و در آن ضرب‌الاجل‌های چند هفته‌ای یا حداکثر یکی دو ماهه تعیین شود. در نوامبر گذشته یکی از متخصصین ایران به نام پاتریک کلاوسون^۱ که از همکاران راس در «انستیتوی سیاست‌های خاورمیانه در واشنگتن» محسوب می‌شود مذاکرات آتی میان ایران و

1. Patrick Clawson



آمریکا را یک نمایش و تئاتر خواند: «کاری که ما باید بکنیم این است که به جهانیان نشان بدهیم که ما داریم نهایت سعی مان را می‌کنیم که ایرانی‌ها را به مذاکره بکشانیم. هدف اصلی ما از این کار، خود ایران نیست. هدف واقعی ما در اصل، افکار عمومی مردم آمریکا و جهانیان است». او تلویحاً می‌گفت که آمریکا باید بعد از رسیدن به این هدف خود، چماقش را بردارد.

اما در واقع ممکن است مذاکرات میان ایران و آمریکا ماه‌ها و شاید سال‌ها طول کشد. در این میان، شکست این مذاکرات زمینه را (همان‌طور که دنیس راس خود توصیه کرده است) برای تحریم‌های شدیدتر، محاصره اقتصادی و «عملیات ضربتی» مهیا خواهد ساخت.



عنوان: برنامه آمریکا برای ایران^۱

منبع: الشرق الاوسط

نویسنده: هاتف سلیم^۲

«گفت‌وگو بین آمریکا و ایران به‌طور هم‌زمان در چند موضوع خواهد بود. یک موضوع برنامه هسته‌ای ایران است که با ریاست خاویر سولانا مسئول ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا و مشارکت آمریکا انجام خواهد شد. موضوع دیگر گفت‌وگو درباره افغانستان، پاکستان و عراق خواهد بود که در این گفت‌وگوها علاوه بر ایران و آمریکا، ناتو و کشورهای اروپایی هم مشارکت خواهند داشت. آمریکا تجدیدنظر در سیاست‌هایش در برابر ایران را اعلام رسمی نخواهد کرد و تجدیدنظر سیاست آمریکا تدریجی و مستمر خواهد بود. سیاست آمریکا در برابر ایران سه محور اصلی خواهد داشت. اول گفت‌وگوی مستقیم بدون پیش شرط، دوم اینکه گزینه تغییر حکومت ایران برای دولت کنونی آمریکا مطرح نیست و سوم اینکه عدم حمله نظامی به ایران در طول گفت‌وگوها در صورت همکاری تهران با جامعه جهانی تضمین خواهد شد. براساس اظهارات منابع مطلع آمریکایی تجدیدنظر در مورد سیاست واشنگتن در برابر تهران به علت اختلاف نظر مسئولان آمریکایی کار دشواری است و بحث‌ها در این باره همچنان ادامه دارد و هنوز مسائل بغرنجی درباره آن وجود دارد. یک مقام آمریکایی به الشرق الاوسط گفته است آمریکا از این به بعد در همه گفت‌وگوها با ایران حضور مستقیم خواهد داشت ما در گفت‌وگوهای هسته‌ای بدون پیش شرط توقف غنی‌سازی

۱. هاتف سلیم، برنامه لایران فی واشنگتن، الشرق الاوسط، ۲۷ مارس ۲۰۰۹.

۲. روزنامه عربی معروف با تمرکز بر امنیت خاورمیانه.



اورانیم در ایران شرکت خواهیم کرد، اما مشارکت ما در این گفت‌وگوها در چارچوب بسته پیشنهادی خواهد بود، به عبارت دیگر هدف ما از شرکت در این گفت‌وگوها توقف غنی‌سازی است. گفت‌وگوهای هسته‌ای بدون توقف غنی‌سازی هیچ پیشرفتی نخواهد داشت. این گفت‌وگوها در چارچوب گروه ۱+۵ انجام خواهد شد و آمریکا و ایران گفت‌وگوهای جداگانه‌ای در مسئله هسته‌ای نخواهند داشت. این مسئول آمریکایی با تأکید بر اینکه گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در مورد افغانستان، پاکستان و عراق آغاز شده است افزود: هم‌اکنون دو یا سه سازوکار رسمی برای گفت‌وگو با ایران وجود دارد. ایرانی‌ها در گفت‌وگوها درباره عراق شرکت دارند و در دو کنفرانس در مورد افغانستان و پاکستان شرکت کردند. براساس اظهارات این مقام آمریکایی هنوز سخن گفتن درباره گفت‌وگوی مستقیم و دوجانبه ایران و آمریکا زود است و این گفت‌وگوها به‌صورت چندجانبه خواهد بود. در افغانستان آمریکا اصلی‌ترین بازیگر است اما ناتو و اتحادیه اروپا هم حضور دارند به همین علت مناسب نیست که به‌طور دوجانبه با ایران درباره افغانستان گفت‌وگو شود. گفت‌وگوهای دوجانبه زمانی آغاز خواهد شد که در مسائل پیچیده پیشرفتی حاصل شود. گروه مسئول پرونده ایران در وزارت امور خارجه آمریکا کاخ سفید و شورای امنیت ملی هنوز بعضی مسائل در مورد ایران را بررسی می‌کنند. سطح گفت‌وگوها بین ایران و آمریکا از جمله این مسائل است. این گروه همچنین بررسی می‌کند که ابتدا مسائلی که امکان پیشرفت در مورد آنها مانند افغانستان وجود دارد مطرح شود یا اینکه مسائل پیچیده مانند روابط تهران با حزب‌الله و حماس مورد بحث قرار گیرد. یک مقام دیگر آمریکایی هم گفته است که تجدیدنظر در سیاست آمریکا مستمر و تدریجی خواهد بود و به



عملکرد ایرانی‌ها بستگی خواهد داشت. جفری فیلدمن معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور خاورمیانه، تام دانیلون معاون شورای امنیت ملی، دان شاپیرو رئیس اداره خاورمیانه در شورای امنیت ملی، بیل برنز معاون وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک، جیمز جونز مشاور امنیت ملی آمریکا از جمله اعضای کارگروه مسئول پرونده ایران هستند. ریچارد هالبروک فرستاده ویژه آمریکا به افغانستان و پاکستان و جرج میچل فرستاده آمریکا به گفت‌وگوهای صلح خاورمیانه هم پیشنهادهای خود را در اختیار این کارگروه قرار می‌دهند.

با وجودی که چارچوب تجدیدنظر در سیاست آمریکا در برابر ایران مشخص شده اما هنوز مسائل اساسی در این باره وجود دارد به همین علت تغییرات سریعی در روابط ایران و آمریکا رخ نخواهد داد. دیوید ارون میلر مذاکره‌کننده سابق آمریکا در خاورمیانه بر این باور است که نتیجه سیاست درهای باز آمریکا در برابر ایران در کوتاه‌مدت ظاهر نخواهد شد. ما باید منتظر یک فیلم بلند آمریکایی و ایرانی باشیم. میلر به الشرق‌الاوسط گفت پیشنهادهای زیادی وجود دارد و موضوع گفت‌وگو با ایران بسیار پیچیده است. اولاً تجدیدنظر آمریکا در سیاستش در برابر ایران تکمیل نشده است و ثانیاً مسائلی مانند نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آینده ایران می‌تواند در تعیین سیاست آمریکا در برابر ایران مؤثر باشد. هیچ سیاست مشخصی برای آمریکا در برابر ایران در کوتاه‌مدت وجود ندارد. دولت آمریکا هنوز خودش هم نمی‌داند که سیاستش در برابر ایران چیست گفت‌وگو درباره بعضی از مسائل مانند عراق و افغانستان با ایران بسیار آسان است. در حالی‌که مسائلی مانند روابط ایران با حماس و حزب‌الله و بلندپروازی‌های ایران در خلیج فارس پیچیده و دشوار است. این



مسائلی است که کشورهای عربی را بسیار نگران کرده است، حتی اگر تجدیدنظر در سیاست آمریکا در برابر ایران تکمیل شود گفت‌وگو با ایران به مسائل مختلفی مانند موضع کشورهای عربی و رفتار ایران بستگی خواهد داشت. این سؤال مطرح است که آیا ایرانی‌ها هم سرگرم تجدیدنظر در سیاست‌های خود هستند یا نه. به همین علت ما باید پیش از تعیین قطعی سیاست خود در برابر ایران بسیار محتاط باشیم. در هر صورت هدف آمریکا توقف غنی‌سازی اورانیم در ایران، بهبود رفتار ایران و جلوگیری از بروز رویارویی نظامی بین ایران و اسرائیل خواهد بود. میلر می‌گوید با وجودی که آمریکا و ایران منافع مشترکی دارند اما اختلاف منافع اساسی بین آمریکا و ایران وجود دارد. بین دو کشور سال‌ها فرصت از دست رفته و شک متقابل وجود دارد. از سوی دیگر ایران تقریباً در مرکز هر موضوع مورد توجه آمریکا قرار دارد. جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، عراق، افغانستان، لبنان و مسئله اسرائیل و فلسطین از جمله این مسائل است به همین علت باید گزینه گفت‌وگو با ایران را مورد آزمایش قرار داد. هیچ کسی در واشنگتن یا هر جای دیگر دنیا وجود ندارد که به‌طور دقیق بداند که ایران چگونه فکر می‌کند. نظام سیاسی ایران ساکت است و مشخص کردن سیاست آن بسیار دشوار است. به‌نظر من ایران خود را یک قدرت بزرگ می‌داند به همین علت از یک‌سو احساس افتخار می‌کند و از سوی دیگر به‌شدت احساس ناامنی می‌کند. ایران امروز احساس می‌کند که وارث یک تمدن بزرگ و یک قدرت عظیم است روشن است که ایرانی‌ها می‌خواهند بر خلیج فارس مسلط باشند و می‌خواهند بر همسایگان نشان نفوذ داشته باشند. این بلندپروازی‌های ایران باعث برخورد با آمریکا می‌شود. آمریکا دو کشور همسایه ایران را اشغال کرده است و در



مرزهای ایران نیروهای نظامی و اطلاعاتی دارد. ما در همه جا حضور داریم به همین علت ایرانی‌ها احساس نگرانی می‌کنند، اما ما در واشنگتن ایران را کشوری می‌دانیم که رفتار ستیزه‌جویانه‌ای دارد. ما برای آنها چالشی هستیم و من اطمینان دارم که ایرانی‌ها تصور می‌کنند که ما خواهان روی کار آمدن نظام جدیدی در ایران هستیم. آنها تصور می‌کنند که آمریکا برای ایران در لبنان و مسئله فلسطین هیچ نقشی قائل نیست، پاسخ این سؤال که آیا امکان تطابق منافع آمریکا و ایران وجود دارد منفی است.



عنوان: امپریالیسم نوین ایران^۱

نویسنده: رابرت بائر

منبع: The National Interest^۲

ایران یک امپراتوری در حال ظهور است. در قرن نوزدهم «بازی بزرگ» نشان‌دهنده رقابت میان امپراتوری بریتانیا و امپراتوری روسیه به‌خصوص برای کنترل ایران بوده است، اما امروزه این ایران است که تبدیل شدن به امپراتوری جدید را در سر می‌پروراند، اگرچه ایران تاکنون توانسته است به این نقش دست یابد، اما رسیدن به آن چندان دور نخواهد بود. نکته مهم نفت است. ما آمریکایی‌ها بسیار وابسته‌تر از فرانسویان به نفت ارزان‌قیمت هستیم. البته ایران می‌تواند به خوبی کنترل خلیج فارس را با بستن تنگه هرمز و تخریب چند دقیقه‌ای تأسیسات نفتی منطقه (با موشک‌هایی که در اختیار دارد) در دست گیرد. بنابراین ایران می‌تواند به آسانی بازار جهانی را از هفده میلیارد بشکه نفت محروم کند. ایران این کار را نمی‌کند اما این تهدید خود یک نیروی بازدارنده ایجاد می‌کند که مانع از حمله آمریکا به این کشور می‌شود. به‌علاوه درصد قابل توجهی از ساکنان خلیج فارس تحت نفوذ ایرانند. باید واقع‌بین بود: اعراب که شامل فلسطینی‌ها، مصری‌ها یا اردنی‌ها می‌شوند پیش از این علیه اسرائیل حمله‌ای کاملاً غیرمؤثر صورت داده‌اند، اما این تنها حزب‌الله بود که با حمایت ایران توانست اسرائیلی‌ها را به عقب‌نشینی وادار کند. بنابراین اعراب به‌ناچار رو به ایران آورده‌اند و ایرانیان نیز به نمایندگی از ملت‌های منطقه در حال تبدیل شدن به یک امپراتوری

1. Robert Baer, "Iran's New Imperialism", The National Interest, March 30, 2009.

۲. مجله معتبر بین‌المللی در حوزه امنیت بین‌الملل.



هستند و در این نقش، ماهرانه عمل می‌کنند.

ایرانیان مردمانی باهوشند و تمدن آنها به چند هزار سال پیش باز می‌گردد. هیچ تردیدی وجود ندارد که بیش از اعراب تمایل به نوگرایی دارند. ایران از لحاظ راهبردی بسیار صبور است و هر ضربه خود را در بلندمدت در برابر دشمنی مثل آمریکایی محاسبه می‌کند. نتیجه اوضاع به این ترتیب خواهد بود: ایران یکی از باثبات‌ترین کشورها، بانفوذترین و قدرتمندترین کشور در خاورمیانه است و آمریکایی‌ها باید یا در طی چند سال آینده با آن مبارزه کنند یا به توافقی بر سر همزیستی دست یابند، بنابراین باید بدون فوت وقت با ایران مذاکره کرد.

در واقع ایران یک امپراتوری دوگانه است که هم‌زمان برپایه تسلیحات فوق مدرن و یک راهبرد جنگ چریکی و نامتقارن بنا شده است. ایرانی‌ها از مداخله مستقیم در بیروت و تحمیل شرایط خود به ملت‌ها خودداری می‌کنند. حتی امروزه در بصره عراق، اثر آشکاری از حضور ایران دیده نمی‌شود. با این حال ایران در منطقه همه چیز را زیر نظر دارد. این نظام محاصره‌ای است. ایران همچنین موفق شده است اعراب را متقاعد کند که تنها کشوری است که با سیاست استعماری مبارزه می‌کند. شاه‌کلید ایران این است که به متحدان خود به‌خصوص حزب‌الله قدرت و احترام ببخشد. پیام ایرانی‌ها این است که تنها ایران قادر به پایان دادن به برتری غربی‌ها در خاورمیانه است، بنابراین ایران به‌طور پیش‌فرض بیانگر تنها امید معتبر ملت‌هاست.

آمریکا در واقع در برابر ایرانی‌ها مثل افراد کور عمل می‌کند: این یک نابینایی عمدی است همانند بی‌توجهی که منجر به بروز بحران مالی شد. این امر ناشی از یک خوش‌بینی بی‌اساس است که حمله به عراق را رهبری کرده و حتی نیویورک تایمز از



آن حمایت کرده است، این کوری همچنین نتیجه نادیده گرفتن کل تمدن ایرانی است. به‌رغم اینکه ایران نقاط ضعف اقتصادی عمده‌ای دارد ولی کشوری است که قادر است یک میلیون نفر را بسیج کند. بسیاری از ایرانیان حتی دانشجویان مخالف برخی اقدامات حکومت، سیاست خارجی دولت خود را تأیید می‌کنند. ایرانی‌ها ضمن امیدواری برای آزادسازی روابط با غرب دیدگاه مشترکی در زمینه ملی‌گرایی کهن و قدرتمند خود دارند. آنها از سوی دیگر از سیاست خارجی مبتنی بر حمایت از مسلمانان چه در عراق، لبنان یا خلیج فارس حمایت می‌کنند.



عنوان: ایران بسیار مستقل و نافرمان است^۱

نویسنده: مصاحبه با نوام چامسکی

منبع: Foreign Policy Journal^۲

نوام چامسکی، زبان‌شناس و تحلیلگر سیاسی و اجتماعی آمریکایی در مصاحبه‌ای با تشریح مسائلی از قبیل برنامه هسته‌ای ایران، روابط میان تهران و واشنگتن و همچنین لابی‌های صهیونیستی اظهار می‌دارد که اگر ایران متحد آمریکا بود می‌توانست برنامه هسته‌ای داشته باشد.

سؤال: شما بارها تأکید کردید که اغلب کشورهای جهان، از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد از پرونده هسته‌ای ایران حمایت کردند، پس چرا هنوز نوحافظه‌کاران آمریکا شعارهای جنگ‌طلبانه سر می‌دهند؟

پاسخ: نه تنها جنبش عدم تعهد، بلکه اکثر آمریکایی‌ها معتقدند که ایران از حق توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز برخوردار است، اما تقریباً هیچکس در آمریکا از این مسئله آگاهی ندارد. این شامل کسانی است که از آنها نظرسنجی شده است و شاید فکر می‌کنند آنها تنها کسانی هستند که این‌گونه تصور می‌کنند. در این باره هیچ چیز منتشر نمی‌شود. چیزی که دائماً در رسانه‌ها مطرح می‌شود این است که «جامعه بین‌الملل» از ایران خواست غنی‌سازی اورانیم را متوقف کند. تقریباً در هیچ کجا درباره این موضوع توضیح داده نمی‌شود که اصطلاح «جامعه بین‌الملل» به‌صورت

1. Noam Chomsky, "Iran is too independent and disobedient", Foreign Policy Journal, April 20, 2009.

۲. مجله فعال در حوزه سیاست خارجی.



متعارف به واشنگتن و هر چیزی که به آن مربوط می‌شود اطلاق می‌شود. نه فقط درباره این موضوع، بلکه درباره کل مسائل هیچ توضیحی ارائه نمی‌شود.

سؤال: بسیاری از تحلیلگران امور بین‌الملل هنوز نمی‌توانند سیاست دوگانه هسته‌ای آمریکا را درک کنند. در حالی که (آمریکا) از برنامه هسته‌ای اسرائیل حمایت می‌کند، واشنگتن به‌طور دائم به ایران فشار وارد می‌کند تا برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود را کنار بگذارد. چرا؟ آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اختیار لازم برای رسیدگی به برنامه سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل را ندارد؟

پاسخ: نکته اصلی به‌طور شفاف توسط هنری کیسینجر مطرح شد. روزنامه واشنگتن پست از کیسینجر سؤال کرد چرا او معتقد است چون ایران به انرژی هسته‌ای نیاز ندارد، بنابراین این کشور احتمالاً بر روی یک بمب اتمی کار می‌کند، در حالی که در دهه ۱۹۷۰ وی به شدت تأکید می‌کرد آمریکا برای توسعه برنامه هسته‌ای ایران باید وسایل لازم را در اختیار شاه قرار می‌داد، او پاسخ روشنی داد: «آنها (ایران در زمان شاه) متحد آمریکا بودند، بنا براین به انرژی هسته‌ای نیاز داشت». اما حالا آنها دیگر متحد (آمریکا) نیستند، بنا براین به انرژی هسته‌ای نیازی ندارند. درباره اسرائیل، باید گفت آنها با آمریکا متحدند، اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، آنها تابع آمریکا هستند. بنابراین، ارباب این حق را به آنها می‌دهد که مطابق میل خود عمل کنند. سازمان بین‌المللی انرژی اتمی از این قدرت برخوردار است اما آمریکا هرگز به آنها اجازه نمی‌دهد از اختیارات خود (برای بازرسی برنامه هسته‌ای اسرائیل) استفاده کنند. دولت جدید آمریکا هم تاکنون نشان نداده است که (با دولت قبل) فرق دارد.

سؤال: چهار قدرت هسته‌ای در جهان حضور دارند که پیمان منع گسترش



تسلیمات را امضا نکرده‌اند و آزادانه به‌دنبال سلاح هسته‌ای هستند، اگر ایران این پیمان را به تصویب نرساند و از آن خارج شود، آیا از فشارهای مداوم کنونی خلاص می‌شود؟

پاسخ: نه، با این کار آنها به سادگی این فشارها را بیشتر می‌کنند. آمریکا به غیر از کره شمالی، از همه این کشورها به‌شدت حمایت می‌کند. ریگان وانمود می‌کرد نمی‌دانست متحدش، پاکستان در حال توسعه سلاح هسته‌ای بوده است، تا این کشور دیکتاتوری بتواند کمک‌های عظیم آمریکا را دریافت کند. آمریکا قبول کرد به هند کمک کند تأسیسات هسته‌ای خود را توسعه دهد و اسرائیل که البته جای خود دارد.

سؤال: چه عوامل احتمالی می‌تواند مانع از برقراری گفت‌وگوی مستقیم بین ایران و آمریکا شود؟ آیا تأثیر لابی اسرائیل بر حکومت متحد آمریکا یکی از این موانع است؟

پاسخ: لابی اسرائیلی تا حدودی مؤثر است، اما تأثیر آن محدود است. تابستان قبل میزان تأثیر لابی اسرائیلی‌ها یک بار دیگر در جریان مبارزات انتخاباتی که تأثیر لابی‌ها به اوج خود می‌رسد به اثبات رسید. در آن زمان، لابی‌های اسرائیلی از کنگره خواستند با تصویب یک قانون، ایران را تحت محاصره قرار دهد، لایحه‌ای درباره جنگ. این اقدام به شدت مورد استقبال قرار گرفت، اما به یکباره از میان برداشته شد، شاید دلیل آن این بود که کاخ سفید در خفا به‌طور صریح با آن مخالفت کرد. درباره عوامل فعلی، هنوز در داخل به شواهد کافی دست پیدا نکرده‌ایم، پس باید به حدس و گمان متوسل شویم. ما به‌خوبی می‌دانیم که اکثر آمریکایی‌ها می‌خواهند با ایران روابط عادی برقرار کنند، اما افکار عمومی به‌ندرت بر سیاست‌ها تأثیر می‌گذارد.

شرکت‌های بزرگ آمریکایی، از جمله شرکت‌های قدرتمند انرژی مایلند از منابع



نفی ایران استفاده کنند. اما دولت برخلاف آنها عمل می‌کند. من فکر می‌کنم دلیل اصلی آن این است که ایران بسیار مستقل و متمرّدانه عمل می‌کند. قدرت‌های بزرگ به محدوده‌ای که در اختیار آنها قرار می‌گیرد راضی نیستند و نمی‌توانند ببینند که بزرگ‌ترین منطقه تولید انرژی جهان که زمانی به‌صورت مشترک در اختیار آمریکا و انگلیس قرار داشت، حالا تنها بخشی از آن به‌عنوان یک شریک کوچک در اختیار انگلیس قرار گیرد.

سؤال: آیا در دوران زمامداری آقای اوباما، رسانه‌های اصلی آمریکا به‌صورت تاکتیکی یا نظام‌مند در تعامل با ایران روش خود را تغییر می‌دهند؟ می‌توان انتظار داشت تبلیغات منفی ضد ایران پایان یابد؟

پاسخ: رسانه‌ها به‌طور کل تقریباً در چارچوب سیاست‌های دولت عمل می‌کنند، اگرچه از نظر تاکتیکی گاهی اوقات سیاست‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرند. به همین علت، بسیاری از تبلیغات (ضد ایران) بستگی به این دارد که اوباما چه موضعی (درباره ایران) اتخاذ کند.

سؤال: سؤال آخر اینکه، فکر می‌کنید رئیس‌جمهور آمریکا باید به حرف ایران گوش کند و از ایران به خاطر جنایاتی که در گذشته مرتکب شده است، عذرخواهی کند؟

پاسخ: من فکر می‌کنم کشورهای قدرتمند همیشه باید جنایات خود را بپذیرند و از قربانیان خود عذرخواهی کنند، در واقع آنها باید از این هم فراتر روند و خسارات وارده را جبران کنند. متأسفانه، به‌طور گسترده دیدگاه «تاکی دیدن» (مورخ مشهور یونان باستان) بر جهان حاکم است: قدرتمندان هر چه بخواهند می‌کنند و ضعیفا هم تا



جایی که امکان دارد رنج می‌کشند اما در طی زمان به‌تدریج جهان متمدن‌تر می‌شود. اما تا آن زمان راه بسیار درازی در پیش است.



عنوان: ایران در آستانه ساخت بمب^۱

نویسنده: آریل کوهن

منبع: The Heritage Foundation^۲

این گزارش به بررسی آخرین تحولات مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران پرداخته و با اشاره به اظهارات اخیر برخی از مقالات نظامی و امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی تلاش کرده است تا ابعاد این مسئله و پیامدهای آن را مورد ارزیابی قرار دهد. بر این اساس در ابتدای گزارش به اظهارات و ادعاهای اخیر در مورد جمع‌آوری مقادیر کافی سوخت برای تولید یک بمب هسته‌ای یا گذشتن ایران از موانع تکنولوژیک تولید سلاح هسته‌ای پرداخته شده و بر احتمال قریب‌الوقوع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأکید شده است. در این شرایط ایران هم‌زمان با مذاکرات با غرب، فرصت لازم را برای تولید بمب هسته‌ای به‌دست آورده است. از سوی دیگر در ادامه گزارش به گزارش‌های اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر ذخیره ۱۰,۰۱۰ کیلوگرمی اورانیم با غنای کم توسط ایران اشاره شده و امکان افزایش غنای اورانیم و تبدیل آن به یک بمب هسته‌ای در مدت یک ماه مورد تأکید قرار گرفته است. این درحالی است که به اعتقاد نویسنده، در شرایط کنونی ایران زیرساخت‌های غنی‌سازی اورانیم و تبدیل سوخت هسته‌ای به بمب اتمی را نیز داراست. با وجود این هنوز آثار هیچ انحرافی در برنامه‌های هسته‌ای ایران براساس گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی

1. Ariel Cohen, "Iran now on the brink of making the bomb", The Heritage Foundation, March 21, 2009.

۲. از مؤسسات وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست.



اتمی مشاهده نشده است در این میان پایان ساخت راکتور هسته‌ای بوشهر و آزمایش اولیه آن گام مهمی در آمادگی زیرساخت‌های هسته‌ای ایران محسوب می‌شود. نویسنده در ادامه گزارش به این سؤال پرداخته است که در شرایطی که روسیه براساس توافقات این کشور با ایران حاضر به ارسال سوخته هسته‌ای به ایران است چرا ایران به دنبال بومی‌سازی غنی‌سازی اورانیم (با هزینه‌های بسیار) می‌باشد. به اعتقاد نویسنده این مسئله تنها به منظور اهدافی متمایز با سیاست‌های اعلامی ایران و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای آن صورت می‌گیرد. در ادامه نویسنده گزارش به بررسی ابعاد و پیامدهای ایران هسته‌ای برای منطقه پرداخته و نگرانی اسرائیل و دولت‌های عربی از احیای امپراتوری در راستای برای سلطه بر منطقه تأکید کرده است. از سوی دیگر به اعتقاد نویسنده یک ایران هسته‌ای عملاً خاورمیانه را بی‌ثبات خواهد کرد و به حمایت و تقویت جریان‌های رادیکال و مسابقه تسلیحاتی برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای در خاورمیانه منجر خواهد شد.



عنوان: ایران محور شرارت هسته‌ای^۱

نویسنده: جان بولتون

منبع: American Enterprise Institute^۲

انتشار غیرمنتظره پیام تبریک نوروزی اوباما به ایران در تعطیلات نوروز برخلاف تصور موجود، مهم‌ترین تحول و خبر مرتبط به ایران نبود بلکه افشای حمایت مالی ایران از برنامه هسته‌ای سوریه توسط یکی از مقالات سابق نظامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار بود. براساس این اخبار، ایران در سال ۲۰۰۷ به سوریه در نصب راکتور هسته‌ای آن از نوع راکتورهای هسته‌ای کره شمالی کمک کرده است که البته این راکتور هسته‌ای در سپتامبر ۲۰۰۷ توسط اسرائیل منهدم شد. بر این اساس ایران هم‌زمان با مذاکره با کشورهای اروپایی درصدد توسعه و ارتقای توانمندی‌های هسته‌ای خود در سوریه بوده است با توجه به این مسئله سؤال اساسی این است که آیا آمریکا هم چنان چشمان خود را بر انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران خواهد بست؟ در واقع افشای این مسئله تأییدی بر محور شرارت هسته‌ای کره شمالی، سوریه و ایران بوده و از سوی دیگر نشانگر نارسایی و ناکامی شورای اطلاعاتی آمریکا در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران و سوریه است زیرا که برخلاف اطلاعات نهادهای اطلاعاتی آمریکا در مورد عدم فعالیت‌های هسته‌ای سوریه، هم‌اکنون این مسئله مورد تأیید قرار گرفته است در واقع در سال ۲۰۰۳ نهادهای اطلاعاتی آمریکا تأکید داشتند که سوریه به دلیل فقدان تکنولوژی لازم در پیگیری برنامه هسته‌ای و در

1. John R. Bolton, "Iran's Axis of Nuclear Evil", American Enterprise Institute, March 23, 2009.

۲. از مراکز تحقیقاتی عمده وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکایی است.



اختیار نداشتن منابع مالی کافی برای برنامه هسته‌ای، به دنبال فعالیت‌های هسته‌ای نیست. این مسئله در واقع نگرش شخصی مقامات این نهادهای اطلاعاتی بوده و بر اطلاعات طبقه‌بندی شده به‌دست آمده مستند نبود. در آن شرایط آنان توجه نداشتند که کره شمالی می‌تواند ضعف تکنولوژیک سوریه در ساخت راکتورهای هسته‌ای را جبران کرده و ایران نیز با اتکا به شوک نفتی به حمایت مالی از این کشور در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای کمک کند. این مسئله عملاً به تقویت روابط ایران و سوریه نیز کمک کرده و محور هسته‌ای ایران - سوریه - کره شمالی را به سبب نیاز سوریه به حمایت مالی ایران برای تکمیل فعالیت‌های هسته‌ای آن افزایش می‌دهد. در این میان همکاری‌های بلندمدت ایران و کره شمالی در زمینه موشک‌های بالستیک زمینه‌های اعتمادسازی در مورد تداوم این فعالیت‌ها در حوزه هسته‌ای را نیز به‌وجود آورده است. به‌علاوه که هر دو کشور ایران و کره به دلیل فشارهای بین‌المللی در اهداف هسته‌ای نیز هماهنگی بسیاری دارند. بنابراین در این شرایط، مخفی‌سازی این برنامه‌های مشترک در کشور ثالثی که مورد بازرسی قرار نمی‌گیرد بهترین گزینه ممکن است. از سوی دیگر افشای فعالیت‌های هسته‌ای سوریه، ناکامی دیگری برای سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش محسوب می‌شد زیرا که این مسئله عملاً به معنای شکست برگزاری مذاکرات دوجانبه با کره شمالی و ایران است. در این شرایط رویکرد اوباما برای مذاکره با ایران همانند رویکرد بوش در دوره دوم ریاست جمهوری است و هم‌زمان با مذاکرات ایران زمان کافی برای توسعه و تداوم فعالیت‌های هسته‌ای خود (همانند دوران گفت‌وگوی آن با دولت‌های اروپایی) را به‌دست خواهد آورد. به‌علاوه که ایران به ضعف آمریکا و موفقیت سیاست‌های خود نیز مطمئن‌تر خواهد شد.



عنوان: تمرکز بر بازسازی دولتی قدرتمند در عراق^۱

نویسنده: سعد جواد

منبع: Middle East Roundtable^۲

آیا اوپاما به شعار انتخاباتی خود مبنی بر خروج از عراق پایبند خواهد بود؟ شاید پاسخ به این سؤال اندکی زود باشد، ولی به نظر می‌رسد فشار نظامیان سبب تغییر این مسئله شده است و حضور آمریکا در عراق بیشتر از چیزی باشد که قبلاً اعلام شده بود. دو دلیل عمده در تداوم اشغال عراق همچنان مسائل مهمی تلقی می‌شوند. یکی از این عوامل نفت و دیگری امنیت اسرائیل است. در رابطه با نفت، توافقات اولیه مبنی بر قرارداد مناصفه (۵۰/۵۰) میان دولت مرکزی و دولت فدرال کردستان منعقد شده است، ولی خطوط لوله هنوز امنیت لازم را ندارند. مسئله دیگر به نیروهای امنیتی عراق و عدم شکل‌گیری ارتش قدرتمند این کشور بازمی‌گردد. این مسئله مشکل قدرت ایران را نیز مجدداً مطرح می‌سازد. شکل‌گیری قدرت شیعیان در منطقه و نفوذ ایران سبب نگرانی امنیتی برای اسرائیل شده است. بنابراین خروج آمریکا از عراق بدون حل مسئله ایران می‌تواند آثار فاجعه‌باری برای اسرائیل دربرداشته باشد.

عراق و ایران هر دو از خروج آمریکا منتفع خواهند شد عراقی‌ها به دنبال مدیریت مسائل توسط خودشان هستند و ایران نیز با نابودی صدام تبدیل به قدرتی منطقه‌ای شده است. بسیاری از ناسیونالیست‌های عراقی از مذاکرات ایران و آمریکا نگران

1. Saad Jawad, Focus on Rebuilding a Strong Iraqi State, Middle East Roundtable, March 2009.

۲. از پایگاه‌های خبری و تحلیلی مسائل بین‌الملل است.



هستند و آن را برخلاف منافع خود می‌دانند، چراکه باعث تقویت نفوذ ایران در عراق و منطقه خواهد شد.

نویسنده مقاله معتقد است اوپاما باید قبل از هر اقدامی به تقویت دولت عراق بپردازد و باید در مسئله غرامت دو جنگ عمده‌ای که آمریکا علیه این کشور به راه انداخته است و خسارات آن را از عراق مطالبه کرده، بخشش‌هایی به وجود آورد. از سوی دیگر به منظور حفظ موازنه قوا در منطقه، شکل‌گیری عراقی قدرتمند بسیار ضروری است. این مسئله اگرچه مسلماً مورد مخالفت اسرائیل و کردهای عراق نیز می‌باشد ولی تنها راه مقابله با ایران است. گزینه‌های نظامی علیه ایران هیچ بازنده‌ای جز اسرائیل و آمریکا ندارد.



عنوان: جنگ نیابتی ایران در عراق^۱

نویسنده: مایکل نایتز

منبع: The Washington Institute for Near East Policy^۲

رویکرد باراک اوباما نسبت به تغییر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران و ضرورت احیاء دیپلماسی مذاکرات فشرده و مستقیم با ایران درحالی مطرح شده که این کشور همچنان درصدد افزایش حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی عراقی و کشتار سربازان آمریکایی در عراق است. براین‌اساس اوباما نیز مانند بوش باید برای چالش‌های مذاکرات با ایران آماده شود. در واقع پیشینه روابط ایران و گروه‌های سیاسی عراق و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و حتی آموزش و تجهیز گروه‌های شبه‌نظامی آن، زمینه گسترش نفوذ ایران در عراق را به‌وجود آورده و این مسئله چالش‌های بسیاری برای اوباما به همراه خواهد داشت. این اطلاعات از نتیجه فعالیت‌های مراکز مختلف پژوهشی آمریکا نسبت به فعالیت‌های ایران در عراق به‌دست آمده است. براساس این اطلاعات، ایران از طریق ارتباط با گروه‌های مختلفی در عراق فعالیت می‌کند که این گروه‌ها اقدامات مختلفی مانند بمب‌گذاری‌های جاده‌ای، اقدام نظامی علیه پایگاه‌های آمریکایی انجام می‌دهند و در نقش جنگ نیابتی ایران علیه آمریکا فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر ایران در پرتاب راکت به مراکز نیروهای ائتلاف نیز جنگ نیابتی را از طریق گروه‌های شبه‌نظامی عراقی بازی می‌کند و گروه‌هایی به موشک‌ها و راکت‌های

1. Michael Knights, "Iran's Ongoing Proxy War in Iraq", The Washington Institute for Near East Policy, March 16, 2009.

۲. از گروه‌های فکری و مراکز مهم پژوهشی آمریکا در حوزه مسائل بین‌المللی و متعلق به لابی یهود است.



ایران مسلح شده‌اند. در این میان، ارتباط ایران با برخی از این گروه‌ها بیش از سایر گروه‌ها بوده است. با وجود این، حمایت گروه‌های نظامی توسط ایران عملاً ممکن است به کاهش نفوذ سیاسی آن منجر شود چنانچه در انتخابات اخیر نیز گروه‌ها و جریان‌ات نزدیک به ایران از جمله مجلس اعلای انقلاب اسلامی با اقبال کمتری مواجه شدند. از سوی دیگر وجود این جنگ نیابتی در مذاکرات ایران و آمریکا نیز تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده و مخرب نیز عمل کند. بنابراین آمریکا باید مذاکرات را در شرایط سخت پیگیری کند و در این شرایط باید از تجربه روند مذاکرات سابق کشورهای اروپایی و از جمله انگلستان نیز بهره‌برداری کند به‌گونه‌ای که میان خواسته ایران یعنی حق غنی‌سازی هسته‌ای و روند مذاکرات و حفظ بازدارندگی در قبال آن تعادل ایجاد کند.



عنوان: اشتباهات بیشتر اوباما در قبال ایران و عراق^۱

نویسنده: وینه وایت

منبع: Middle East Institute^۲

یکی از محورهای سیاست خارجی اوباما که بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، طرح عقب‌نشینی از عراق است، این در حالی است که جنبه مهم دیگر یعنی تأثیر این سیاست بر مواضع و جایگاه آمریکا در عراق کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر در همین شرایط، سیاست‌های جدید اوباما در قبال ایران نیز پیگیری می‌شود و امکان شکست انتظارات موجود آمریکا از تحولات مرتبط با دو کشور ایران و عراق نیز وجود دارد. در این میان، سیاست اوباما در عراق مبتنی بر توافق‌نامه امنیتی واشنگتن - بغداد است، در حالی که همچنان احتمال عدم پذیرش آن در فراندوم عمومی وجود دارد. از سوی دیگر کاهش نیروها و خروج نیروهای آمریکایی از شهرها تا ژوئن امسال که براساس توافق‌نامه امنیتی دوجانبه مقرر شده است نیز امکان گسترش درگیری‌های قومی - نژادی را به دنبال داشته و مشخص نیست که تا چه میزان این عقب‌نشینی به کاهش یا افزایش خشونت در عراق خواهد انجامید. با وجود این، ناکامی برخی سیاست‌های مالکی در مصالحه میان گروه‌های عراقی نیز می‌تواند به وخامت اوضاع منجر شود، بر این اساس، سیاست‌ها و برنامه‌های بسیاری در مورد آینده تحولات در عراق متصور است، از سوی دیگر در

1. Wayne White, "Much can go wrong for Obama on Iran and Iraq", Middle East Institute, March 16, 2009.

۲. از مراکز مهم پژوهشی قدیمی و فعال در حوزه خاورمیانه که مقالات پژوهشی بسیاری در حوزه مسائل ایران منتشر می‌کند.



موضوع تعاملات آمریکا و ایران نیز تحولات جدیدی به وجود آمده که در این میان حضور ایران در کنفرانس مسائل افغانستان مسئله جدیدی نیست زیرا که در دوره کلینتون و بوش نیز چنین مذاکراتی وجود داشته است. با وجود این، انتخابات آینده ایران می‌تواند بر این روند تأثیر گذارد. این در حالی است که به اعتقاد برخی از کارشناسان مانند برژینسکی، ایران علاقه‌مند به تنش‌زدایی با آمریکا است و در این میان فعالیت‌های موشکی تنها برای نشان دادن عدم ضعف ایران است، اگرچه در اظهارات مقامات ایرانی همواره تردیدهایی در مورد نوع تعامل آنان با آمریکا وجود دارد. از سوی دیگر برخی از کارشناسان با استناد به تحولات تاریخی و شرایط مساعد تنش‌زدایی دو کشور در اواخر دهه ۹۰ میلادی، معتقد به احتمال شکست روند کنونی هستند، به علاوه که در شرایط کنونی مسئله هسته‌ای و شیوه حل و فصل آن نیز بر پیچیدگی تنش‌زدایی نسبت به دو دهه گذشته افزوده است. بر این اساس در دو جبهه ایران و عراق نگرانی‌هایی نسبت به آینده تحولات وجود دارد.



عنوان: عصر تعامل با حزب‌الله و ایران^۱

نویسنده: مگنس نورل

منبع: The Washington Institute for Near East Policy^۲

سیاست اخیر بریتانیا در تجدید نظر در تعاملات این کشور با حزب‌الله لبنان (که برخلاف تحریم این گروه از سال ۲۰۰۵ و تشدید آن در سال گذشته صورت گرفته است) نشانگر عدم انسجام سیاست اتحادیه اروپا در قبال گروه‌های شیعی و همچنین پیچیدگی بیشتر تلاش‌های این اتحادیه و آمریکا در سیاست‌های آنان در قبال لبنان و ایران است. در این میان اگرچه این اقدام بریتانیا با استناد به تحولات مثبت اخیر در لبنان و از جمله تشکیل دولت وحدت ملی و وفاق گروه‌های داخلی لبنان صورت گرفته است، اما این در شرایطی است که این مسئله عملاً به تقویت مواضع حزب‌الله به عنوان یکی از مؤثرترین گروه‌های مؤثر در دولت لبنان کرده است. از سوی دیگر علی‌رغم تمایز میان شاخه نظامی و سیاسی حزب‌الله توسط انگلستان، عملاً این تفکیک وجود ندارد. با وجود این، سیاست بریتانیا تنها تفاوت نگرش اروپایی و آمریکایی و اختلاف موجود در مواضع اتحادیه اروپا در قبال لبنان نیست و پیش از این نیز کشورهایمانند فرانسه و ایتالیا سیاست‌های خود را بدون هماهنگی با سایر کشورهای اتحادیه اروپایی و آمریکا پیگیری می‌کردند. این مسائل سبب شده که علی‌رغم قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت، هم‌اکنون توافقی میان نیروهای یونيفیل و اعضای حزب‌الله در منطقه

1. Magnus Norell, "Hizballah and Iran in the Age of Engagement", The Washington Institute for Near East Policy, Match 18, 2009.

۲. از گروه‌های فکری و مؤسسات پژوهشی آمریکا در مسائل بین‌المللی است.



وجود داشته و خلع سلاح این گروه نیز صورت نگرفته است. به‌علاوه که حزب‌الله امکان بازسازی مواضع دفاعی خود در جنوب لبنان را نیز به‌دست آورده است. از سوی دیگر حزب‌الله درصدد نفوذ در کشورهای اروپایی برآمده و فعالیت‌های مالی، لجستیکی و سیاسی را پیگیری می‌کند به‌گونه‌ای که براساس اظهارات اخیر یک مقام اطلاعاتی آلمانی در حدود ۹۰۰ عضو حزب‌الله در آلمان زندگی می‌کنند. با وجود این باید توجه داشت که به‌طور کلی رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به حزب‌الله مبتنی بر تعامل و نه مواجهه است و لذا برخلاف آمریکا در صدد افزایش عقلانیت در تعاملات خود با حزب‌الله و تأثیرگذاری بر سیاست‌های آن است هرچند که عملاً این مواضع به تقویت حزب‌الله در جریان مذاکرات آن با اروپا کمک کرده است. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین ابعاد تعامل با حزب‌الله، مسئله ایران است. در واقع اقدام اخیر بریتانیا عملاً زمینه تقویت ایران در منطقه را به‌وجود آورده زیرا که با تقویت حزب‌الله و موفقیت احتمالی آن، در انتخابات ژوئن لبنان، عملاً این ایران و سوریه خواهند بود که از سیاست‌های غیرمنسجم آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال حزب‌الله سود برده و لذا هر گونه تعامل با حزب‌الله عملاً با این دو کشور گره خورده است در این شرایط، سیاست جدید آمریکا در قبال خاورمیانه می‌تواند زمینه تغییرات واقعی در خاورمیانه را به‌وجود آورد به شرط آنکه نوعی هماهنگی میان مواضع اروپا و آمریکا در این زمینه وجود داشته باشد، علاوه بر این اوباما باید در سیاست‌های آمریکا در قبال توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران جدیت بیشتری داشته باشد.



سی سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعی از متخصصان امور ایران در مؤسسه اینترپرایز که مؤسسه‌ای تحقیقاتی وابسته به جریان محافظه‌کار در واشنگتن محسوب می‌شود، گردهم آمدند تا به ارزیابی انقلاب ایران پس از سه دهه پرداخته و آینده رابطه ایران و آمریکا را بررسی کنند. به عقیده این افراد به نظر می‌رسد که علی‌رغم اعلام هدف غایی انقلاب ۱۹۷۹ مبنی بر انفصال با گذشته، بسیاری از مشکلاتی که جمهوری اسلامی اینک با آن درگیر است از همان قسم مشکلاتی است که محمدرضا پهلوی نیز با آن روبه‌رو بوده است.

آلکس واتانکا محقق ارشد مسائل خاورمیانه و تحلیل‌گر گروه اطلاعاتی جینز در نگاهی از بیرون به تحولات ایران، به بیان رخداد‌های اخیر با توجه به مواضع تهران در قبال مسائل منطقه‌ای و جهانی پرداخت. واتانکا بی‌مهابایی ایران به‌خصوص در سیاست خارجی را وجه ممیزه آن تلقی و گفت: تهران پیشتر تنها در جهت خروج از انزوا تلاش می‌کرد، اما اینک به جای آن در صدد ایفای نقش جدی و تأثیر بیشتر است و این هدف را با تهور دنبال می‌کند. به نظر او غرب بهتر است نسبت به پیشداوری ایران و طبیعت ایدئولوژیک نظام تجدیدنظر کند و آن را به‌مثابه نظامی که توسط نیروی پراگماتیستی در جهت منافع ملی‌اش حرکت می‌کند تلقی کند. او تأکید کرد که ورای شعارهای ذکر شده هیچ اقدامی از سوی نظام برای صدور انقلاب صورت

1. The Imam Returned: Thirty Years of Revolution in Iran, American Enterprise Institute, 2009.

۲. از مؤسسات پژوهشی وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست.



نگرفته است. واتانکا با اشاره به اینکه علی‌رغم بسط نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی برای حفظ استقلال خود، این کشور برای خروج از انزوا بهای بسیار گزافی را می‌پردازد. انزوا منجر به اختلال در رشد اقتصادی شده است و دلزدگی مردم را به همراه داشته است.

پاتریک کلاوسون از مؤسسه تحقیقاتی واشنگتن در سیاست خاور نزدیک، اقتصاد را پاشنه آشیل دولت احمدی نژاد توصیف کرد که بعد از گذشت سی سال از انقلاب ۱۹۷۹ همچنان در حالت نامتوازن به سر می‌برد این مسئله به سبب دلایل متعددی از جمله جنگ با عراق، کاهش قیمت نفت در دهه ۱۹۸۰ و اخیراً به دلیل سیاست‌های اقتصادی نظام ناشی شده است. کلاوسون مدعی شد در دهه ۱۹۶۰ اقتصاد ایران از همه اقتصادهای جهان پیش بود در حالی‌که با رشد نسبی کنونی، ایران امروز بدون شک در معرض نابودی اقتصادی است. کلاوسون افزود: رشد نسبی منجر به ایجاد رضایت در ایرانیان نشده است حال آنکه همین رشد نسبی هم به دلیل سوءمدیریت سرانجامی نیافته است.

مایکل مکووسکی مدیر سیاست‌گذاری مرکز سیاست‌گذاری بی‌طرفانه دیگر سخنران این نشست گفت: علی‌رغم وجود ذخایر غنی گاز ایران همچنان به قیمت جهانی نفت متکی است. نظام در توسعه میادین نفتی ضعیف عمل کرده است و لذا تولید نفت بسیار متصلب باقی مانده است. درآمدهای نفتی ایران از نفت طی ده سال گذشته هفت برابر شده در حالی‌که تولید ثابت باقی مانده است. بنا به اظهارات مکووسکی ناتوانی نظام در افزایش تولید منجر به وقوع شکنندگی‌های متعددی شده است. به عنوان مثال مازاد بودجه سریعاً به کسری بودجه مبدل می‌شود چرا که دولت



مجبور است آن را به صورت یارانه هزینه کند. این خود منجر به کاهش تفوق ایران در مقابل کشورهای واردکننده نفت می‌شود. در نهایت این امر مسیر حمله علیه تأسیسات اتمی ایران را به دلیل وابستگی درصد کمی از بازار بین‌المللی به نفت ایران، را هموار می‌کند.

پروفسور جان لیمبرت از آکادمی نیروی دریایی ایالات متحده با بیان اینکه موضع آمریکا در برابر این تصویر ترسیم شده از ایران چیست و رابطه ایران و آمریکا به کجا می‌انجامد گفت: آخر خط این است که ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران بعد از سی سال دشمنی که با یکدیگر کرده‌اند و به یکدیگر توهین کرده و همدیگر را با اسامی مختلفی خطاب و از تاریخ برای ترسیم چهره دشمنی واقعی سوءاستفاده کرده‌اند و همچنین یکدیگر را شیطان و منحرف نامیده‌اند، باید برای حل این مشکل سخت ارتباطی گذشته و دشمنی دیرینه را کنار بگذارند. در این شرایط برای پیشبرد روابط باید رویه شعار دادن و استفاده از بایسته‌های مبتنی بر اخلاق را رها کرد. ایالات متحده باید رویه تلاش و درخواست از ایران برای تغییر رفتار را کنار بگذارد. لیمبرت همچنین پیشنهاد کرد که دولت آمریکا رفتار و زبان متواضعانه‌تری در قبال ایران پیش بگیرد. او افزود: واشنگتن همچنان باید به تاریخ ایران که یکی از بزرگترین و افتخارآمیزترین پیشینه‌هاست، احترام نشان دهد. این درحالی است به دلایل تاریخی ایرانی‌ها همواره این اندیشه را در ذهنشان دارند که غرب درصدد فریب آنهاست. او چنین استدلال کرد که این تلقی ایرانی‌ها ممکن است رهیافت دولت اوباما به منظور افتتاح کانالی دیپلماتیک با تهران را در وهله اول تحت‌الشعاع قرار دهد. لیمبرت نتیجه‌گیری کرد: روند پیشرفت کند و مشکل است. در این وضعیت، غرب باید



سوءرفتار را کنار بگذارد و از ایرانی‌ها تلقی رفتاری حرفه‌ای و پراگماتیک در جهت تأمین منافع ملی‌شان داشته باشد.

جان آلترمن مدیر برنامه خاورمیانه‌ای مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی گفت: ما نمی‌توانیم رابطه ایران و آمریکا را به این سادگی بهبود ببخشیم چرا که ضدیت با آمریکا در بطن انقلاب اسلامی ایران نهاده شده است. با این همه ایالات متحده می‌تواند این عداوت را کاهش داده و آن را به سمت‌وسوی بهتری در مقایسه با گذشته مدیریت کند. وقوع این پدیده تنها در خلال افزایش تماس‌ها شدنی است. آلترمن مدعی شد که سیاست منزوی کردن [ایران] کارآمد نبوده و بلکه برعکس عمل کرده است و تأثیر تحریم‌ها روزبه‌روز کمتر و کمتر می‌شود.

مایکل روبین از مؤسسه ایترپرایز به طرح سؤالاتی پرداخت که دولت اوباما برای ابتکار برقراری رابطه با دولت ایران باید به آنها پاسخ دهد. روبین اختصاصاً به طرح موضوع زمان‌بندی اشاره و توصیه کرد که شروع مذاکرات با ایران بهتر است قبل از انتخابات آتی ریاست جمهوری در ژوئن صورت نگیرد: ما تمایلی به مداخله در ایران نداریم. از سوی دیگر تمایلی هم نداریم که امتیاز برقراری رابطه با آمریکا به عنوان پیروزی شخصی احمدی‌نژاد منظور شود.

در این کنفرانس موضوعات دیگری هم مطرح شد که ناظر به گزینه‌های دیگر در مورد تعامل آمریکا با ایران بود. در این زمینه بحث درمورد شیوه تعامل اوباما با ایران نیز مطرح شد. از نظر کارشناسان این نشست، با وجود دولتی که به تازگی کار خود را شروع کرده و رئیس‌جمهوری که وعده مذاکره مستقیم با تهران را داده است، سخنرانان حاضر در این نشست با بیان موانع و چالش‌های موجود به دیگر گزینه‌ها و



بیان نظرات و تردیدهایشان در این خصوص پرداختند. دانستن واکنش مردم ایران در قبال استفاده از گزینه نظامی توسط واشنگتن موضوع دیگری بود که مورد بحث قرار گرفت. در خلال این بحث‌ها اجماعی کلی پدید آمد مبنی بر اینکه مردم ایران چه نظام اسلامی را دوست داشته باشند و چه نداشته باشند در صورت حمله نظامی از دولتشان به دلیل وجود عرق ملی قوی، حمایت خواهند کرد. جان لیمبرت در این خصوص اظهار داشت: هر اقدام نظامی منجر به تشدید حس احقاق حق علیه بیگانگانی که ملت را تحقیر کرده‌اند خواهد شد. مایکل روبین هم در این خصوص اضافه کرد: مردم ایران حتی اگر از نظامشان راضی نباشند و با آن موافقت نداشته باشند در برابر حمله نظامی واکنش نشان داده و به حمایت از نظام برخوانند خاست.

علی‌رغم پذیرش جمعی مذاکره با ایران از سوی او‌باما (حتی در میان تحلیل‌گران محافظه‌کار) نوعی احساس بدبینی و بدگمانی نسبت به سیاست‌های ایران محسوس بود. جفری جدمن مدیر رادیو آزاد اروپا/ رادیو آزادی سخنان اصلی یکی از پتل‌های نشست صراحتاً به این موضوع پرداخت. او با تأکید بر دیپلماسی عمومی، خواستار استفاده جامع از ابزار دیپلماسی عمومی و سخن گفتن با حداکثر توان ممکن با مردم ایران اشاره کرد و خواستار استفاده از قدرت نرم در بسیج افکار عمومی همه اقشار مردم ایران شد. جدمن با اشاره به سخنان نیکلاس برنز معاون سابق وزارت خارجه آمریکا گفت: در ایران امروز اختلاف جدی میان تندروها و میانه‌روها نیست، بلکه بین جامعه و نظام است.

او با تأکید بر ایده عبور از حکومت و گفت‌وگوی مستقیم با مردم ایران با استفاده از رسانه‌های خارجی مانند صدای آمریکا، بی‌بی‌سی فارسی و رادیو فردا به



دولت آمریکا توصیه کرد که با اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های فعال در محیط زیست، مؤسسات فرهنگی، زنان و گروه‌های حامی حقوق اقلیت‌ها سخن بگوید. او با تأکید بر نقش قدرت نرم، آن را وسیله‌ای جدی به منظور تأثیر بر جامعه ایران و توازن قوا در داخل ایران دانست، حال آنکه شاید این ایده اینکه نکته‌ای اساسی را در این خصوص لحاظ نکرده است که متقاعد کردن رهبران تهران برای مذاکره مستقیم و گفت‌وگوی صادقانه درحالی که نظام این احساس را می‌کند که آمریکا هم‌زمان در حال تضعیف و سرنگون کردن نظام نیز می‌باشد عملاً کار را برای اجرای برنامه‌های او‌باما در قبال ایران با مشکل روبه‌رو می‌کند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۶۳۷

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۶)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۲/۱۶